

عاقبت گرگ زاده ، گرگ شود

آنان که دیروز در خدمت متجاوزین بودند و وطن را فروختند و خاکش را به توبره کردند و از کشته ها پشته ها ساختند و کشور را در یک جنگ سی ساله فرو بردند و هست و هست و بودش را به آتش کشیدند و در همان آتشی که فروخته بودند ، نان شانرا به نرخ روز پختند و در فرجام شکست ذلت بار ارباب روسی شان ، به دامن امپریالیسم امریکا پناه برده و سر تعظیم به پایهای عساکر امریکائی خم کردند ، همان سر های که سالهای متمادی بر چکمه های عساکر متجاوز روسی بوسه میزدند ، در وصف اربابان متجاوز شان شعر می سرودند و مدحیه می سرانیدند و رهبر بی مقدار شان ببرک خان (کاغذی) در وصف اربابان روسی خود گلو پاره میکرد که (معیار یک افغان وطن پرست ، همانا معیار دوستی افغان- شوروی است و....) ، این جنایت کاران قرن را هیچ شرم و حیائی در کار نیست و در چشم سفیدی و دیده درائی کارنامه های بس طولانی دارند. تفرقه اندازی و تفرقه های قومی ، زبانی و مذهبی را دامن زدن یکی دیگر از خصوصیات پلید این دارو دسته بوده و در فردای فرار شرم آور متجاوزین روسی از افغانستان ، در صدد تجزیه کشور به شمال و جنوب برآمدند و با بوق و کرنا ساز فدرالیزم راسر دادند و چند دلچک رسوا هم به ساز شان رقصیدن گرفتند و.....

این از خدا بیخبران قبل از فروپاشی رژیم وارداتی و منحنط و خونریز و جلاذ پیشه شان ، یکشبه ملا شدند و با عبا و قبا و ریش و کلا در خدمت اخوانی ها قرار گرفتند و تا توانستند تفرقه ایجاد کرده و به کشتار خلیق هرچه بیشتر کوشا شدند . تانکیست ها و پیلوتان طیارات جنگی خلقی و پرچمی که دست آموز متجاوزین روس بوده و طی ده سال اشغال افغانستان توسط باداران روسی شان ، کشور ما را میدان تمرینات جنگی خویش ساخته بودند و در تخریب و بمباردمان میهن و کشتار هموطنان شب و روز نمی شناختند ، در خدمت تنظیم های وارداتی اخوانی ، وهابی و آخندی قرار گرفتند و به وظیفه نامقدس شان همچنان ادامه داده و سگان سادیست خادی شان با ریش و پشم در خدمت برادران اخوانی خویش قرار گرفته همچنان به جاسوسی و بو کشی و بگیر و ببند و بزن و بکش ادامه دادند . رفقای کمیته مرکزی شان با سرمایه های ملی که بغارت برده بودند به دامن امپریالیسم امریکا پناه بردند و یا در دستگاه دروغ پرآگنی (بی بی سی) مشغول زهر پاشی و تفرقه اندازی گردیدند و یا هم در لندن و پاریس و هالند به عیاشی و باده گساری مشغول شدند و..... و اما در فردای تجاوز امریکا و متحدین به افغانستان و سقوط طالبان ، از هر کنج و کنار و هر گوشه و بیشه ای بسوی افغانستان هجوم آورده و در خدمت سیاه (سازمان جاسوسی امریکا) قرار گرفتند و اینبار باز هم یکشبه ره صد ساله پیمودند و دموکرات و مترقی شدند و چون مار های زخمی در هر سوراخی که در حکومت جدید وارداتی یافتند ، خزیده و منتظر فرو بردن نیش های زهر آگین شان بر بدن ناتوان ملت مظلوم افغان شدند.

یکی از همین جنایتکاران وطن فروش (نورالحق علومی) است که در سوراخ پارلمان خزیده و در کنار رفیق دیرین (بچه گلاب) و (کبیر رنجبر) ، در حقیقت ((صغیر رنج آور)) و دو سه رسوای دیگر متحد شده و (جبهه مولی) را براه انداخته و هر از گاهی نیش های زهر آلود شانرا بر جسم ناتوان و خسته از جنگ هموطنان ما فرو میکنند و.... بلی همین (نور الحق علومی) که حیف نام نور و صد حیف نام حق که نه از نور در او نشانی و نه از حق در او زره ای وجود دارد ، طی یک مصاحبه با یک نشریه روسی بنام (نووستی)، از اربابان روسی خود و از تجاوز بیشرمانه شان به سرزمین آبائی ما به دفاع برخاسته است . علومی که به خیال باطل خود میخواهد اینبار از کجراهه ای (جبهه ملی) به نان و نوائی برسد و رفقای حزب منحل ای دیموکراتیک اشرا از طریق رفقای اخوانی و ارباب امریکائی شان بار دیگر بر سرنوشت مردم حاکم سازد، یک صفت خوب دارد و آنهم نمک حلالی به ارباب قدیم است . وی در نشریه (نووستی) روسی به این گونه معرفی میشود : ((..... علومی در سال های 1980 فرمانده سپاه دوم ارتش در قندهار و رئیس کمیته عالی نجات میهن و استاندار قندهار بود. طبق اطلاعات «نووستی»، در سال 1989 پس از خروج ارتش شوروی، علومی توانست طی چند ماه آرامش را احیا کرده و امنیت را در شهر برقرار کند، سپس با گروه اپوزیسیونی تحت فرماندهی "عصمت مسلم" متحد شد.)) بلی هموطن فرمانده سپاه دوم ارتش در قندهار بودن و طی چند ماه پس از خروج ارتش شوروی آرامش را احیا کردن و امنیت را در شهر برقرار کردن ، به معنی آن است که قومندان صاحب جمهوری دیموکراتیک خلق چه کشتاری را در قندهار براه انداخته است تا از مقاومت مردم کاسته و به اصطلاح امنیت و آرامش را به قندهار باز گرداند. این کار جنرال صاحب یعنی سرکوب مقاومت و کشتار مردم ، یعنی در صف دشمنان مردم و میهن قرار گرفتن و از یک رژیم ضد مردمی و

ضد ملی به دفاع برخواستن . پس از آن جنرال صاحب با یک ملیشه جانی و بی وجدان بنام عصمت مسلم که نه مسلمان بود و نه عصمت داشت و در جنایتکاری و فرومایگی و خونریزی دست نجیب گاو را از پشت بسته بود ، متحد میشود و از جنرالی به ملیشه شدن سقوط میکند و باز همان آش و همان کاسه و همان کشتار خلق خدا و از دم تیغ شقاوت و بربریت ، مردم آزاده ما را گذشتاندن و عاقبت ننگ اخوانیت و اخوانیزم را پذیرفتن و (جبهه ملی) ساختن و داد از وطن و وطندار زدن . واقعا چه بجا گفته اند(عاقبت گرگ زاده ، گرگ شود ****گرچه با آدمی بزرگ شود). خونریزی و خون خوری خصلت ذاتی این شرف باخته گان بوده و با شیر اندرون شده و با جان بدر شود.

علمی در حالیکه تقلا میکند از اربابان روسی خویش دفاع کند ، بی شرمانه گلو پاره میکند که))
خارجیانی که معتقدند کشور ما نباید تمامیت ارضی و استقلال داشته باشد.....)) ، منظور علمی از (خاجیان) کدام خارجی ها است ؟ پاکستانی ها و ایرانی ها ؟ روسها و یا امریکائی ها و متحدین شان ؟ وی شهادت آنرا ندارد که از خارجی ها نام ببرد . از سوی دیگر کشور ما همین اکنون هم استقلال ندارد و تمامیت ارضی آن هم مورد سوال است .

ایشان در جای دیگری میفرمایند :)) اگر روسیه بخواهد در چارچوب ناتو، ISAF و نیروهای ضد تروریستی یا پاسداران صلح در آبادانی افغانستان شرکت داشته باشد، باید از این استقبال کرد و در عین حال اظهار داشت که این تنها یک فرض است.)) ، این بدان معنی تواند بود که گرگ را به نگهبانی رمه بگمارند و متجاوز خونریزی را پاسدار صلح . متجاوزین روسی هرگز از بابت تجاوز بی شرمانه شان به کشور آزاده ما معذرت نخواسته است و تا حال غرامات جنگ افغان- روس را نپرداخته است و حتی حاضر نیست تا نقشه صد ها هزار ماین را که در سر تا سر کشور ما کاشته اند به مقامات مسوول ماین پاکي در افغانستان بگذارند و هنوز هم ماین های کاشته دستان پلید شان در سرزمین بلا رسیده ما هر روز قربانی میگیرد ، ولی آقای علمی از پاسدار صلح شدن اربابان روسی خود و از شرکت شان در آبادانی افغانستان استقبال میکند . چه دلاور است دزدی که به کف چراغ دارد .

آقای علمی در جای دیگری از مصاحبه اش با نشریه روسی (نووستی) میفرمایند:)) هم اکنون بسیاری از کشورهای اروپای شرقی که قبلاً در بلوک شوروی بودند، در افغانستان هستند، از جمله اوکراینی ها و رومانیایی ها و این برای مردم افغانستان امری عادی است.)) ، نه جناب علمی ، برای مردم سلحشور و آزاده افغانستان حضور حتی یک سرباز خارجی هم امر عادی نیست ، اما با تاسف فراوان که افرادی چون شما و رفقای خلقی پرچمی و برادران اخوانی تان در موجودیت قوای خارجی ، موجودیت خود را یافته اید و این یک امر عادی است و همه میدانند که در غیر آن شما ها حتی یک روز هم در افغانستان بوده نمی توانید .

چشم سفیدی و دیده درائی را جنرال صاحب به جانی میرساند که واقعا تهوع آور است ، به این جملات فرموده جناب توجه فرمائید :)) اگر دیروز جنگ سرد و ویرانی بود و همکاری شوروی را حمله نامیدند، امروز ما آن را همکاری بین المللی می نامیم.)) ، آخر دیده درائی و چشم سفیدی و نوکر منشی هم حد و اندازه ای دارد . تجاوز بیشرمانه اربابان روسی جنرال صاحب نام نهاد بر حریم کشور آبائی ما ، یکی از ددمنشانه ترین تجاوزات در قرن بیست بود که بیشتر از دومیون قربانی گرفت و کشور ما را به ویرانه ای غم انگیزی مبدل نمود . اگر از بمباردمان وحشیانه شباروزی و کشتار هموطنان بی گناه و بی دفاع بگوئیم ، اگر از بگیر و ببند ها و زنجیر و زولانه و شکنجه های فوق وحشیانه ای سگان بویکش کی جی بی و خاد بگوئیم ، اگر از زندانها و توقیف خانه های بیشمار و از خاد نظامی و محکمه انقلابی بگوئیم ، اگر از پولیگونها و گور های دسته جمعی بگوئیم ، اگر از طیاره پرتاب کردن ها و به دریا انداختن ها بگوئیم ، اگر از ناخن کشیدن ها و چشم کشیدن ها بگوئیم ، اگر از شک های برقی بگوئیم و اگر از جاسوس تربیه کردنها بگوئیم و اگر از ها بگوئیم ، (آب بحر کافی نیست که انگشت تر کرده و صفحه بشماریم) ، اما جناب علمی میفرمایند که انهمه بیداد و ظلم و شقاوت و آنهمه پستی و پلشتی **همکاری شوروی** بوده است که آنرا حمله نامیده اند . زهی وقاحت و چشم پاره گی و زهی دیده درائی و نوکر منشی . خجالت هم خوب چیزی است ، اما جنرال صاحب را وجدان مرده است و آنکه وجدان ندارد ، انسان اش نتوان گفت . روس های تجاوز گر اعتراف کردند که در حمله به افغانستان دچار اشتباه گردیده اند و گورباچف رهبر روسیه ای شوروی ، آن تجاوز نامردانه را یک (زخم خون چکان) توصیف کرد . زخمی که از مبارزات قهرمانانه مردم افغانستان بر پیکر کثیف متجاوزین

روسی وارد شده و اتحاد جماهیر اشتراکیه شوروی وقت را از پا درآورد ، اما جنرال علمی هنوز هم سوار خر لنگ خود است و آن تجاوز آشکار را (**همکاری شوروی**) قلمداد میکند و بازهم آرزو میکند اربابان روسی اش بار دیگر عساکر خویش را به کشور ما اعزام دارند و اینبار همان بگفته جنرال صاحب (**همکاری شوروی**) شکل دیگری را بخود خواهد گرفت و ایشان آنرا امروز (**همکاری بین المللی**) خواهند نامید . ننگ ات باد نورالحق خان علمی . دیروز تجاوز را (**همکاری شوروی**) نامیدی و رهبران وطن فروش تان آن تجاوز وحشیانه را (**کمک های انترناسیونالیستی رفقای شوروی**) عنوان کردند و هست و بود کشور ما را با خاک و خون یکسان نموده و بهترین فرزندان این آب و خاک مرد پرور را با گلوله بسته و یا زنده بگور کردند و امروز تو باد به غیغ می اندازی و داد از (**همکاری بین المللی**) میزنی. اصلا شما وطن فروشان و برادران اخوانی تان به (**همکاری های بین المللی**) خو گرفته اید و بدون (**همکاری بین المللی**) به زندگی ننگین تان ادامه داده نمی توانید . طفیلی زاده شده ، طفیلی پرورش یافته و طفیلی به حیات ننگین تان ادامه میدهید ، حال فرقی نمی کند که (**همکاری بین المللی**) از شرق باشد یا غرب ، جنوب باشد یا شمال و نیز تفاوتی ندارد که به این زندگی طفیلی در داخل پارلمان فرمایشی ادامه دهید یا در کنج واشنگتن و یا لندن و یا هم در دستگاه دروغ پراگنی بی بی سی یا در مقر سازمان ملل و یا در زیر ریش ربانی – سیاف و..... اربابان روسی شما را مردم سلحشور افغانستان چنان درسی داده اند که بال شان میسوزد که حتی بسوی افغانستان بنگرند و اگر جرئت و شهامت آنرا داشته باشند که بازهم به کشور ما عسکر بفرستند ، متیقن باشید که سند مرگ شان را امضا کرده اند . به رهنمائی های شما و امثال شما ضرورتی احساس نمی شود . به حال خود دل بسوزانید که گاهی در خدمت روس و زمانی در خدمت امریکا قرار میگیرید و گاهی چپ می شوید و گاهی راست و استقرار مزاج ندارید و به نرخ روز نان میخورید و همچنان به تفرقه اندازی و تفتین و توطئه مشغول هستید و خاصیت شما و رفقای حزبی تان همچون فتر است .

پیش چشم مردمان چون شب بود رویت سیاه

زانکه در هر روز ای جانی جنایت میکنی